

بررسی رابطه خطی بین مالکیت شرکتهای از بعد خانوادگی و غیر خانوادگی با ارقام تعهدی اختیاری (مدیریت سود)

محسن حق وردی زاده

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (آذربایجان غربی)، ایران.

mohsenhagverdi@gmail.com

شماره ۲۹ پاییز ۱۳۹۹ (جلد اول) / صص ۱۱۳-۱۲۵
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

در این تحقیق، مالکیت خانوادگی، غیر خانوادگی شرکتها و مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی این تحقیق ابتدا تعریف و سپس شناسایی شرکت های خانوادگی و سپس بررسی و مقایسه مدیریت سود بین این شرکتها و شرکت های غیر خانوادگی است. پس از بررسی کلیه شرکت های بورسی، تعداد ۳۱ شرکت با توجه به شاخص تعریف شده به عنوان خانوادگی مشخص شد و پس از تفکیک آنها به صنایع مربوطه، به همین تعداد و از همان صنایع، به روش نمونه گیری تصادفی شرکت هایی دیگری انتخاب و در گروه غیر خانوادگی قرار گرفت. برای انجام آزمون فرضیه، از مدل جونز تعدیل شده (دچاو و دیگران، ۱۹۹۵) به منظور اندازه گیری مدیریت سود و همچنین رگرسیون چند متغیره و آزمون T استیودنت برای انجام مقایسه میانگینها بین دو گروه مستقل استفاده گردید. نتیجه تحقیق نشان داد که بین ساختار مالکیت شرکتها و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد و به طور میانگین شرکت های غیر خانوادگی بیشتر مدیریت سود انجام می دهند.

واژگان کلیدی: شرکت خانوادگی، شرکت غیر خانوادگی، مدیریت سود.

مقدمه

اهمیت شرکت های خانوادگی در دنیای اقتصاد به حدی است که چیزی حدود ۳۵ درصد (۱۷۵ شرکت) از ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی از نوع شرکت های خانوادگی می باشند (امیدوار، ۱۳۸۹). به همین منظور در بسیاری کشورها، شاخصهای متعددی برای تعریف اینگونه شرکتها ارایه گردیده است و پژوهشگران در سال های اخیر به دلیل اهمیت این شرکتها پژوهش های مختلفی را در مورد این شرکتها انجام داده اند. در ایران، متأسفانه به دلیل شفافیت کم، اطلاعات افشا شده در مورد ماهیت و مالکیت شرکتها و به تبع عدم تشخیص و تفکیک شرکت های خانوادگی شرکت هایی که یک یا چند خانواده به خصوص در اجرای سیاست های کلی و راهبردی شرکت، نقش کلیدی ایفا می کنند تاکنون تحقیقات زیادی در مورد اینگونه شرکتها

صورت نگرفته است. از طرفی به دلیل اهمیت سود به عنوان یکی از اساسی ترین ابزارهای تصمیم گیری سرمایه گذاران و وجود مقوله مدیریت سود به عنوان ابزاری برای دستکاری سود توسط مدیران، این پژوهش کوشش می کند تا ابتدا شرکت های خانوادگی را تعریف و شناسایی نموده و سپس رفتار مدیریت سود را در این شرکت ها و شرکت های غیر خانوادگی بررسی نماید.

در شرکت های خانوادگی عموماً بخش زیادی از سهام در اختیار یک یا چند سهامدار عمده حقیقی از اعضای یک خانواده است و اعضای خانواده در پست های مدیریتی و عملیاتی مشغول کار هستند. طبق پژوهش های انجام شده، مشخص شده اگر میزان سهم مدیران از حدی بیشتر باشد، می تواند این انگیزه را در آنها ایجاد کند تا وضعیت مالی و عملکرد مطلوب تری را ارایه دهند، همچنین سهامداران عمده نیز می توانند از طریق کنترل رفتار مدیران بر روی تصمیمات و فعالیتهای شرکت تأثیرگذار باشند (محمدی، ۱۳۸۸).

در شرکت های خانوادگی ممکن است به دلیل ساختار مالکیت خاص این شرکت ها، حفظ منافع خانواده بر حفظ منافع سهامداران جزء ارجحیت یابد، در نتیجه به دلیل اینکه سهامداران جزء کمتر به اطلاعات مهم و اساسی شرکت دسترسی دارند، همواره این خطر احساس می شود که منافع این گروه در معرض خطر به خصوص در بلندمدت قرار گیرد (عبدالحمیدی و کوال، ۲۰۱۰). نبود شاخصی مناسب برای شناسایی شرکت های خانوادگی و لزوم توجه بیشتر و عمیق تر در ساختار مالکیت شرکت ها، همچنین مطالعات بسیار محدود در این مورد در ایران، ضرورت انجام پژوهش در مورد شرکت های خانوادگی در بازار سرمایه کشور را مشخص می کند.

بیان مسأله

ساختار مالکیت شرکت ها می تواند بسیار متنوع باشد و طیف وسیعی از سهامداران حقیقی و حقوقی می توانند در این ساختار ایفای نقش کنند. حضور سهامداران حقیقی از یک خانواده یا فامیل با در اختیار داشتن درصد بالای سهام و یا حضور آن ها در هیأت مدیره به نوعی خانوادگی بودن مالکیت شرکت را نشان می دهد (اندرسون و ریب، ۲۰۰۳). در شرکتهای خانوادگی به علت وجود سهامدار عمده حقیقی و یا وجود اعضای خانواده در هیأت مدیره، ممکن است سایر سهامداران این گمان را داشته باشند که منافع خانواده، به عنوان یکی از اصلی ترین ارکان تصمیم گیری برای شرکت، بر منافع سایر سهامداران در اولویت قرار گیرد.

طبق تئوری های حسابداری هدف اصلی گزارشگری سود، فراهم آوردن اطلاعات سودمند برای اشخاصی است که بیشترین علاقه را به گزارشات مالی دارند. با فرض اینکه مدیریت، به منافع شخصی خویش می اندیشد، مدیران ممکن است سود حسابداری را دستکاری، یا به زبانی دیگر سود را مدیریت نمایند، تا بیشترین منافع را بدست آورند. نقش مهم، سود به عنوان شاخصی مناسب در اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاران، و این امر که مدیران این توانایی را دارند که با دستکاری سود اطلاعات گمراه کننده ای، در اختیار استفاده کنندگان از اطلاعات قرار دهند، و وجود مقوله مدیریت سود به عنوان ابزاری برای دستکاری سود توسط مدیران نیاز به توجه بیشتر به ساختار مالکیت شرکتها و تحلیل بیشتر اطلاعات ارایه شده توسط آنها را نشان می دهد.

در ایران، برخلاف شرکت های صاحب نظر در زمینه حسابداری و مطالعات مالی، تاکنون شاخص مناسبی، متناسب با شرایط بازار سرمایه کشور برای تعریف شرکت های خانوادگی در عین وجود اینگونه شرکتها ارایه نگردیده است و بیشتر تحقیقات متوجه مالکیت های نهادی بوده است.

سوال اصلی این تحقیق این است که، اگر سهامداران عمده، و اعضای هیأت مدیره دارای سهام قابل توجه، از اعضای یک خانواده یا فامیل باشند، تأثیر وجود این سهامداران بر سایر جنبه های شرکت چگونه است و آیا موجب بروز تفاوت با سایر شرکتها به خصوص از دیدگاه اعمال مدیریت بر سود خواهد شد؟

پیشینه پژوهش

در سال های اخیر، در ایران، تحقیقات فراوانی در مورد مدیریت سود انجام پذیرفته است اما در مورد ساختار مالکیت شرکت ها، بیشتر تحقیقات متوجه مالکیت های نهادی و سهامداران عمده حقوقی بوده است و به ساختار های مالکیت خصوصی و خانوادگی کمتر توجه شده است

نمازی و کرمانی (۱۳۸۷) به بررسی تأثیر مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و دریافتند بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت، رابطه منفی و معنادار وجود دارد، همچنین بین مالکیت خصوصی و عملکرد نیز رابطه معناداری مشاهده شد، ولی نوع این رابطه را نمی توان تعیین کرد
مرادزاده و ناظمی اردکانی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود پرداختند و نتایج نشان داد بین مدیریت سود و مالکیت نهادی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

میشرا و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند که در شرکت های با مالکیت خانوادگی، ارزش شرکت به صورت معناداری از شرکت های با مالکیت غیرخانوادگی بیشتر است.

اندرسون و ریب (۲۰۰۳) با استفاده از اطلاعات شرکت های اس اندپی ۵۰۰، دریافتند که شرکت های خانوادگی در مقایسه با شرکت های غیرخانوادگی، عملکرد بهتری از خود نشان داده اند.

ونگ (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید مالکیت متمرکز، جریان اطلاعات حسابداری را برای افراد بیرونی، کند می کند. همچنین عدم تقارن اطلاعاتی باعث کاهش افشا در حسابداری می شود و اعضای خانواده در شرکت، انگیزه و فرصت این را خواهند داشت که سود حسابداری را دستکاری کنند. بنابراین، برای مالکیت خانوادگی کیفیت سود کمتری به وجود می آید.

عبدالحمیدی و کوال (۲۰۱۰) به بررسی اولویت های مدیریت سود در شرکت های خانوادگی و غیرخانوادگی شرکت های نروژی بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت های خانوادگی نسبت به شرکت های غیرخانوادگی هموار سازی سود بیشتری انجام می دهند، همچنین شرکت های خانوادگی با اهرم مالی بالا از تمایل بیشتری برای انجام مدیریت سود نسبت به شرکت های غیرخانوادگی با اهرم مالی بالا برخوردارند.

فرضیه پژوهش

بین ساختار مالکیت شرکتها از نظر خانوادگی و غیرخانوادگی بودن و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد.

نوع و روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی، حرکت از جزء به کل است، که با استفاده از روش همبستگی مقطعی به توصیف رابطه بین ساختار مالکیت شرکت ها از نظر خانوادگی، غیرخانوادگی بودن و مدیریت سود می پردازد. همچنین با توجه به طرح کلی گردآوری داده ها که از داده های تاریخی استفاده گردیده است، این تحقیق از نوع پس رویدادی تلقی می شود.

متغیر مستقل: خانوادگی یا غیرخانوادگی بودن مالکیت شرکت

مهم ترین مسأله در تحقیقات مربوط به شرکت های خانوادگی، تعریف اینگونه شرکت ها است. شرکت های خانوادگی را از جنبه های گوناگون، می توان تعریف کرد. عضویت اعضای خانواده در هیأت مدیره، درصد مالکیت سهم از سوی اعضای خانواده و کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه خانواده در شرکت، از عواملی است که شرکت های خانوادگی به وسیله آن، تعریف می شود. به طور مثال اهرهاردت و نواک (۲۰۰۰) شرکت های خانوادگی را شرکت هایی تعریف نموده اند که یک یا چند نفر از یک یا دو خانواده، صاحب حداقل پنجاه درصد از حقوق صاحبان سهام باشند. اندرسون و ریب در سال ۲۰۰۳ میزان تملک هجده درصد از سهام عادی توسط خانواده را شرط تعریف شرکت های خانوادگی عنوان نموده اند. ویلا لونگا و آمیت (۲۰۰۶) شرکت خانوادگی را این طور تعریف نموده اند: شرکتی که موسس یا یکی از اعضای نسبی یا سببی خانواده، عضو هیأت مدیره، مدیر اجرایی یا مالک حداقل ۵ درصد از سهام شرکت، به صورت فردی یا گروهی باشند. در همین سال ونگ در پژوهش خود شرکتی را خانوادگی تعریف نموده که میزان زیادی از سهام آنان، در دست اعضای خانواده باشد و این افراد به طور فعالی در مدیریت و هیأت مدیره شرکت، مشارکت داشته باشند.

در سال ۲۰۱۰ مرکز تحلیل گران و انتشاردهندگان داده های بورس آلمان شاخص «خانوادگی دکس پلاس را برای تعریف شرکت های خانوادگی ارائه نمود که طبق آن شرکتی به عنوان خانوادگی معرفی می شود که یکی از دو شرط زیر را دارا باشد:

الف) خانواده موسس حداقل ۲۵ درصد سهام عادی را در اختیار داشته باشد.

و یا

ب) یکی از اعضای خانواده در هیأت مدیره عضویت داشته و حداقل ۵ درصد از سهام عادی را در اختیار داشته باشد. در ایران، کمیته تدوین استانداردهای حسابداری در بند ۸ استاندارد حسابداری شماره ۲۰ عنوان می کند، در صورتیکه سهامداران حداقل ۲۰ درصد از قدرت رأی در واحد سرمایه پذیر را داشته باشند، در این صورت بر شرکت نفوذ قابل ملاحظه دارند.

همچنین طبق ماده ۱۰۷ قانون تجارت ایران کلیه شرکت های سهامی عام ملزم به تشکیل هیأت مدیره ای از صاحبان سهام می باشند که می بایست تعداد این هیأت حداقل ۵ نفر باشند، لذا منطقی می توان استنباط نمود، چنانچه سهامداری مالک ۲۰ درصد سهام شرکت باشد به عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره مطرح و از این طریق می تواند بر عملیات شرکت اعمال کنترل نماید.

با توجه به مطالبی که ذکر شد، و پس از بررسی شرایط شرکت های ایرانی و استفاده از نظرات خبرگان، در این پژوهش از دو شرط زیر برای تعریف شرکت های خانوادگی در ایران استفاده شده است:

شاخص (Dax Plus Family Index) در سال ۲۰۱۰ توسط مرکز تحلیل گران و انتشاردهندگان داده های بورس آلمان به منظور تعریف شرکت های خانوادگی ارایه گردیده است و مورد تایید دانشگاه مونیخ و سازمان بورس و اوراق بهادار آلمان نیز می باشد.

الف) سهامدار حقیقی مالک حداقل ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد.
یا

ب) یکی از اعضای هیأت مدیره، خود، به تنهایی مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیأت مدیره و اعضای خانواده و فامیل وی، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد. شرکت های غیرخانوادگی نیز شرکت هایی هستند که هیچ یک از شرایط ذکر شده را نداشته باشند.

متغیر وابسته: مدیریت سود

در ادبیات حسابداری تعریف روشن و همگانی از مدیریت سود وجود ندارد، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلبهای مالی مشخص نمی باشد. مدیریت سود هنگامی رخ می دهد که از قضاوت های شخصی مدیران در گزارشگری مالی استفاده شده و ساختار معاملات به جهت تغییر گزارشگری مالی دست کاری شود. این عمل یا به قصد گمراه نمودن برخی از سهامداران و سرمایه گذاران در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت است یا با هدف تأثیر بر نتایج قراردادهایی می باشد که انعقاد آنها منوط به دستیابی به سود مشخصی است.

اسکیپر (Schipper) مدیریت سود را این چنین تعریف نموده است: دخالت عمدی در فرآیند گزارشگری برون سازمانی با هدف به دست آوردن برخی مزایای شخصی از سوی مدیران یا سهامداران. از آنجا که مدیریت سود به طور مستقیم قابل اندازه گیری نیست، ادبیات مدیریت سود چند روش برآورد مدیریت سود بالقوه را پیشنهاد می کند. این روش ها شامل روش ارقام تعهدی اختیاری، روش ارقام تعهدی خاص، روش جمع ارقام تعهدی، روش تغییرات حسابداری و روش توزیع است. عمومی ترین روش که در این تحقیق نیز مورد استفاده قرار گرفته، روش ارقام تعهدی اختیاری، مدل جونز تعدیل شده است، که فرض می کند مدیران برای مدیریت سود اساساً به اختیارات خود در خصوص ارقام تعهدی اختیاری تکیه می کنند. ارقام تعهدی شامل ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری است که ارقام اختیاری توسط مدیریت تعیین می شوند و مدیران از توانایی اعمال اختیار برای گزینش روش های حسابداری و برآوردهای مربوط به ارقام اختیاری و تعیین زمان شناسایی این ارقام، برخوردارند. لذا این روش مستلزم تفکیک ارقام تعهدی به اجزای اختیاری و غیراختیاری است، سپس ارقام تعهدی اختیاری به عنوان نمادی برای مدیریت سود استفاده می شوند. مدیریت ارقام تعهدی اختیاری مانند تغییر در تعیین میزان هزینه مطالبات مشکوک الوصول از طریق انتخاب روش های حسابداری و برآوردهای حسابداری انجام می شود.

داده های متغیر مستقل شامل اطلاعات مربوط به درصد سهامداران و ترکیب اعضای هیأت مدیره و درصد سهام این اعضا است که از گزارش هیأت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام بدست آمده است و داده های مربوط به متغیر وابسته شامل سود، مجموع دارایی ها، درآمد شرکت، حساب های دریافتی، اموال، ماشین آلات و تجهیزات و جریان وجه نقد منعکس شده در ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت

جریان وجه نقد حسابرسی شده و یادداشتهای پیوست صورت های مالی شرکت های نمونه است که از بانک اطلاعاتی کتابخانه و سایت بورس اوراق بهادار و نرم افزار ره آورد نوین ۳ استخراج گردیده است، همچنین برای انجام آزمون های آماری از نرم افزار SPSS 19 استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ می باشد. نمونه، شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، که اولاً باید سال مالی آنها به پایان اسفند ختم شده، ثانیاً اطلاعات آنها از ابتدای سال مالی ۱۳۸۹ تا پایان سال مالی ۱۳۹۶، ۸ سال موجود باشد، و ثالثاً اعضای نمونه جزو شرکتهای سرمایه گذاری نباشند. برای انتخاب نمونه آماری، کلیه شرکتهای بورسی را با معیارهای در نظر گرفته شده برای شرکت های خانوادگی تطبیق داده و پس از انتخاب این شرکت ها، آنها در یک گروه قرار داده شد، و پس از تفکیک این شرکتهای به صنعت، به میزان سهم هر صنعت، شرکت های دیگری به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب و در گروه غیرخانوادگی قرار داده شد.

پس از بررسی گزارش های هیأت مدیره به مجامع عمومی کلیه شرکت های بورسی در این دوره زمانی تعداد ۳۸ شرکت در نمونه گیری اولیه انتخاب شدند، که پس از بررسی های بیشتر و به دلیل عدم افشای کافی و نبود اطلاعات مورد نظر در مورد برخی شرکت ها در نهایت، تعداد ۳۱ شرکت به عنوان شرکت خانوادگی شناسایی و انتخاب و به همین تعداد نیز شرکت های غیرخانوادگی از همان صنایع انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

ارایه و تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه تحقیق، ابتدا به بررسی کلیه گزارشات هیئت مدیره شرکت ها به مجمع عمومی صاحبان سهام به منظور پیدا کردن شرکت های خانوادگی منطبق با شرایط تعیین شده برای شناسایی اینگونه شرکت ها پرداخته، و پس از تعیین نمونه ها در دو گروه خانوادگی و غیرخانوادگی و تفکیک نمونه ها به ۷ صنعت خودرو و ساخت قطعات، ساخت محصولات فلزی، فلزات اساسی، محصولات شیمیایی، محصولات غذایی و آشامیدنی بجز قند و شکر، مواد و محصولات دارویی و سایر، از مدل تعدیل شده جونز، دچاو و دیگران به منظور به دست آوردن ارقام تعهدی اختیاری که معیار اندازه گیری میزان مدیریت سود می باشد، استفاده شده است. لازم به ذکر است، صنایع قند و شکر، محصولات کانی غیر فلزی، لاستیک و پلاستیک، ماشین آلات دستگاه های برقی، محصولات کاغذی و منسوجات به دلیل کم بودن تعداد نمونه ها در یک گروه و با عنوان سایر طبقه بندی شده اند.

پس از گروه بندی نمونه ها و تفکیک آن ها به صنعت، ابتدا، مجموع ارقام تعهدی را از روش زیر و با توجه به اطلاعات موجود محاسبه می کنیم:

$$TA = NI - QCF$$

که:

TA: جمع کل ارقام تعهدی

NI: معرف سود خالص قبل از ارقام غیر مترقبه،

OCF: وجه نقد حاصل از عملیات،

پس از به دست آوردن کل ارقام تعهدی برای هر شرکت در سالهای مورد آزمون، ارتباط مجموع ارقام تعهدی با متغیرهای فروش و اموال، ماشین آلات و تجهیزات و حساب های دریافتی، به وسیله برازش معادله رگرسیون زیر برای هر سال - شرکت برای هر دسته از صنایع برآورد شده است:

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

که:

TA: معرف مجموع ارقام تعهدی،

A: مجموع داراییها،

REV: مجموع درآمد (فروش)

REC: حساب های دریافتی، و

PPE: معرف اموال، ماشین آلات و تجهیزات است.

برای هر سال - شرکت مدل رگرسیونی برای هر دسته از صنایع به دست می آید که رگرسیون های مربوط به صنایع مختلف و برآورد ضرایب مربوط به هر صنعت در زیر مشخص شده اند.

جدول (۱): ضرایب و آزمون معنی داری رگرسیون به تفکیک صنایع

بررسی مدل در صنعت خودرو و ساخت قطعات					
آماره های رگرسیون		ضریب همبستگی		۰,۸۵۷	
آزمون معنی داری رگرسیون	P-Value	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل	
		۳	۰,۶۹۷	خطا	۰,۰۰۰
		۲۹	۰,۲۵۲	کل	۰,۹۴۹
برآورد پارامترها		پارامتر		برآورد	
		$\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}}$		۰,۳۵	
		$\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}}$		۰,۱۳	
		$\frac{1}{A_{it-1}}$		۲۸۱۴,۱۳	
بررسی مدل در صنعت ساخت محصولات فلزی					
آماره های رگرسیون		ضریب همبستگی		۰,۳۰۶	
آزمون معنی داری رگرسیون	P-Value	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل	
		۳	۰,۰۵۸	خطا	۰,۰۵۹
		۷۵	۰,۵۶۴	کل	۰,۶۲۲
برآورد پارامترها		پارامتر		برآورد	

۰,۰۳		$\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}}$		
۰,۱۱		$\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta REC_{it}}{A_{it-1}}$		
-۲۰۱۲,۹۷		$\frac{1}{A_{it-1}}$		
بررسی مدل در صنعت فلزات اساسی				
۰,۵۶۲		ضریب همبستگی		آماره های رگرسیون
P-Value	درجه آزادی	مجموع مربعات		آزمون معنی داری رگرسیون
۰,۰۰۴	۳	۰,۴۹۳	مدل	
	۳۴	۱,۰۶۸	خطا	
	۳۷	۱,۵۶۱	کل	
برآورد		پارامتر		برآورد پارامترها
۰,۲۲		$\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}}$		
۰,۱۱		$\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta REC_{it}}{A_{it-1}}$		
۱۳۰۲۲,۲۰		$\frac{1}{A_{it-1}}$		
بررسی مدل در صنعت محصولات شیمیایی				
۰,۵۵۳		ضریب همبستگی		آماره های رگرسیون
P-Value	درجه آزادی	مجموع مربعات		آزمون معنی داری رگرسیون
۰,۰۰۰۰	۳	۰,۴۸	مدل	
	۵۸	۱,۰۹۳	خطا	
	۶۱	۱,۵۷۳	کل	
برآورد		پارامتر		برآورد پارامترها
۰,۱۲		$\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}}$		
۰,۲۲		$\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta REC_{it}}{A_{it-1}}$		
۳۳۴۴,۲۳		$\frac{1}{A_{it-1}}$		
بررسی مدل در صنعت محصولات غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر				
۰,۵۴۳		ضریب همبستگی		آماره های رگرسیون
P-Value	درجه آزادی	مجموع مربعات		آزمون معنی داری رگرسیون
۰,۰۰۰۰	۳	۰,۳۲۲	مدل	
	۷۳	۰,۷۶۸	خطا	
	۷۶	۱,۰۹۰	کل	
برآورد		پارامتر		برآورد پارامترها

		$\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}}$		
		$\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta REC_{it}}{A_{it-1}}$		
		$\frac{1}{A_{it-1}}$		
بررسی مدل در صنعت مواد و محصولات دارویی				
۰,۸۵۳		ضریب همبستگی		آماره های رگرسیون
P-Value	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل	آزمون معنی داری رگرسیون
۰,۰۰۰۰	۳	۲,۱۹۴	خطا	
	۹۱	۰,۸۱۹	کل	
برآورد		پارامتر		برآورد پارامترها
۰,۶۸		$\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}}$		
۰,۱۱		$\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta REC_{it}}{A_{it-1}}$		
-۷۳۷۶,۲۴		$\frac{1}{A_{it-1}}$		
بررسی مدل در صنعت سایر صنایع				
۰,۴۰۵		ضریب همبستگی		آماره های رگرسیون
P-Value	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل	آزمون معنی داری رگرسیون
۰,۰۰۱	۳	۰,۲۵۸	خطا	
	۹۱	۱,۳۰۹	کل	
برآورد		پارامتر		برآورد پارامترها
۰,۱۳		$\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}}$		
۰,۱۵		$\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta REC_{it}}{A_{it-1}}$		
-۱۸۱۶,۱۹		$\frac{1}{A_{it-1}}$		

پس از برآورد ضرایب مربوط به هر صنعت، با استفاده از روابط زیر ابتدا اقلام تعهدی غیراختیاری و سپس اقلام تعهدی اختیاری را که معیار اندازه گیری مدیریت سود می باشد، در دو گروه خانوادگی و غیرخانوادگی محاسبه و فرضیه تحقیق را از طریق انجام آزمون مقایسه میانگین ها در دو گروه ذکر شده بررسی نموده ایم.

$$NDA_{it} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

در مرحله آخر، اقلام تعهدی اختیاری (DA) به شرح زیر محاسبه شده است:

$$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - NDA_{it}$$

اقدام تعهدی اختیاری که همان باقیمانده های رگرسیون ها می باشد برای گروه های مختلف صنعت از معادلات زیر قابل محاسبه است.

جدول (۲): معادلات مربوط به اقدام تعهدی اختیاری به تفکیک صنایع

صنعت	معادله مربوط به محاسبه اقدام تعهدی اختیاری
خودرو و ساخت قطعات	$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - \left(2814 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + 0.13 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + 0.35 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \right)$
ساخت محصولات فلزی	$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - \left(-2013 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + 0.11 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + 0.03 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \right)$
فلزات اساسی	$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - \left(13023 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + 0.11 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + 0.22 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \right)$
محصولات شیمیایی	$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - \left(3344 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + 0.23 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + 0.12 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \right)$
محصولات غذایی و آشامیدنی	$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - \left(-1748 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + 0.24 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + 0.09 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \right)$
مواد و محصولات دارویی	$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - \left(-7376 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + 0.11 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + 0.68 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \right)$
سایر صنایع	$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - \left(-1816 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + 0.15 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + 0.13 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \right)$

بررسی توزیع اقدام تعهدی اختیاری

بر اساس جدول میانگین مقادیر اقدام تعهدی اختیاری نزدیک به صفر می باشد و حداقل و حداکثر مقدار برای آن ۰,۵۰۷- و ۰,۳۹۳ می باشد و در سال ۹۰ بیشترین مقدار میانگین اقدام تعهدی اختیاری را شاهد هستیم و در سال ۹۶ این مقدار به کمترین میزان خود رسیده است.

جدول (۳): آماره های توصیفی اقدام تعهدی اختیاری به تفکیک سال

سال	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
۸۹	۰,۰۰۹	۰,۰۸۸	-۰,۱۹۶	۰,۲۰۹
۹۰	۰,۰۲۷	۰,۱۲۲	-۰,۲۰۳	۰,۳۹۳
۹۱	۰,۰۲۳	۰,۱۰۵	-۰,۲۴۱	۰,۳۷۵
۹۲	-۰,۰۰۲	۰,۱۰۲	-۰,۳۱۳	۰,۲۰۷
۹۳	۰,۰۰۲	۰,۱۱۸	-۰,۲۶۶	۰,۳۸۹
۹۴	۰,۰۰۱	۰,۱۰۸	-۰,۱۹۹	۰,۳۲۲
۹۵	۰,۰۰۶	۰,۱۰۹	-۰,۲۳۷	۰,۳۰۵
۹۶	-۰,۰۱۴	۰,۱۲۹	-۰,۵۰۷	۰,۱۹۶

پس از بدست آوردن ارقام تعهدی اختیاری، به منظور بررسی فرضیه تحقیق با انجام آزمون T استیودنت سعی در کشف تفاوت بین دو گروه داشته ایم.

بیان آماری فرضیه تحقیق عنوان می کند:

فرضیه صفر: میانگین ارقام تعهدی اختیاری در دو گروه برابر است (فرضیه تحقیق رد می شود).

فرضیه مقابل: میانگین ارقام تعهدی اختیاری در دو گروه برابر نیست (فرضیه تحقیق رد نمی شود).

و به بیان دیگر:

H_0 : بین ساختار مالکیت شرکت ها از نظر خانوادگی و غیرخانوادگی بودن و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود ندارد.

H_1 : بین ساختار مالکیت شرکت ها از نظر خانوادگی و غیرخانوادگی بودن و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد.

برای استنباط فرضیه پژوهش با توجه به حجم نمونه و نرمال بودن مقادیر مدیریت سود ($P=0,263$, $K-S=1,007$)

بوسیله آزمون T استیودنت سعی در کشف تفاوت بین دو گروه داشته ایم.

نتایج مربوط به این آزمون در جدول شماره ۴ بیان شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه

نوع	میانگین ارقام تعهدی اختیاری	کولموگروف-اسمیرنف	P-value	نتیجه آزمون
خانوادگی	-۰,۰۰۲	۰,۲۶۳	۰,۰۴	تایید فرضیه
غیرخانوادگی	۰,۱۹			

همانطور که ملاحظه می گردد میانگین ارقام تعهدی در گروه غیرخانوادگی بیشتر از خانوادگی است در نتیجه با توجه به آماره آزمون و مقدار احتمال ($P\text{-Value} = 0.04$) می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر یا این فرضیه که بین ساختار مالکیت شرکت ها از نظر خانوادگی و غیرخانوادگی بودن و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود ندارد. در سطح معنی داری ۵ درصد رد می شود و می توان با ۹۵ درصد اطمینان پذیرفت که:

بین ساختار مالکیت شرکت ها از نظر خانوادگی و غیر خانوادگی بودن و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد و شرکت های غیرخانوادگی به طور میانگین نسبت به شرکت های خانوادگی بیشتر مدیریت سود انجام می دهند.

نتیجه گیری

بررسی رفتار شرکت های خانوادگی می تواند اطلاعات ارزنده ای را در اختیار استفاده کنندگان از اطلاعات مالی قرار دهد، که متأسفانه در ایران تاکنون شاخص مناسبی برای شناسایی اینگونه شرکت ها ارائه نگردیده است. ویژگی بارز این تحقیق ارائه شاخصی متناسب با شرایط بازار سرمایه کشور با استفاده از تحقیقات گذشته و استفاده از نظرات خبرگان به منظور شناسایی و معرفی شرکت های خانوادگی در بورس است. اهمیت حضور شرکت های خانوادگی به گونه ای است که پس از بررسی های انجام شده مشخص شد، از میان شرکت های حاضر در بورس در سال ۱۳۹۶، ۳۸ شرکت (نزدیک به یازده درصد) خانوادگی بودند و بیشترین شرکت های خانوادگی در چهار صنعت ساخت محصولات فلزی، محصولات غذایی و آشامیدنی، محصولات دارویی و محصولات شیمیایی حضور داشتند. بررسی آمار توصیفی تحقیق نشان می دهد، بیشترین میزان ارقام تعهدی اختیاری در سال ۱۳۸۴ که بازار بورس دچار نوسانات غیرعادی گشته بود، به بیشترین میزان خود در دوره مورد بررسی رسیده، در سال های اخیر به علت توجه بیشتر سازمان بورس برای کارآمدتر شدن بازار سرمایه و الزام برای ارائه اطلاعات

شفاف تر توسط شرکت ها، اقلام تعهدی اختیاری در سال ۱۳۹۰ به کمترین میزان خود در دوره مورد بررسی رسیده است. توجه به تفاوت های دو گروه این نکته را مشخص می کند که عموماً شرکتهای غیرخانوادگی به لحاظ بنیادی از وضعیت مناسبتری نسبت به شرکت های خانوادگی برخوردارند و سهام این شرکت ها برای سرمایه گذاران از جذابیت بیشتری برخوردار است، و این امر ممکن است به علت وجود سهامداران عمده حقوقی قدرتمند در ساختار مالکیت و مدیریت این شرکت ها باشد که بنوعی موجب اطمینان خاطر بیشتر سایر سرمایه گذاران شده و به شرکت ثبات بیشتری در مواجهه با نوسانات اقتصادی می بخشد. از سوی دیگر در این تحقیق مشاهده شد اکثر شرکتهای غیرخانوادگی از نظر اندازه نسبت به شرکتهای خانوادگی بزرگتر بودند. همان گونه که واتر و زیمرمن (۱۹۸۶) بیان می کنند با افزایش اندازه شرکت در معرض فشارهای سیاسی بیشتری قرار گرفته و انگیزه مدیریت برای اعمال نظر در فرایند تعیین سود و انجام مدیریت سود افزایش می یابد. از این رو ممکن است شرکت های خانوادگی به علت کوچکتر بودن اندازه شرکت، و مناسبات درون خانواده از انگیزه کمتری برای انجام مدیریت سود برخوردار باشند.

منابع

- ✓ امیدوار، علیرضا، رستگار، حسین، عقدایی، مونا، (۱۳۸۹)، حاکمیت شرکتی در شرکت های خانوادگی پاکستان، مرکز ترویج حاکمیت شرکتی، آبان ۱۳۸۹.
- ✓ محمدی، محمد، (۱۳۸۸)، بررسی کیفیت سود شرکت های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ✓ مرادزاده، مهدی، ناظمی اردکانی، مهدی، غلامی، رضا، فرزانی، حجت اله، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۶، صص ۸۵-۹۸.
- ✓ مهرآذین، علیرضا، (۱۳۸۶)، ارزیابی مدل های کشف مدیریت سود، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ✓ نمازی، محمد، کرمانی، احسان، (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۳، صص ۸۳-۱۰۰.
- ✓ Abdolmohammadi, M. kvall, E. (2010). Earnings Management Priorities of Private Family Firms. American Accounting Association Annual Meeting, 31 July 2010, San Francisco, CA.
- ✓ Anderson, R.C. Reeb, D. (2003). Founding family ownership and firm performance : Evidence from S&P500. Journal of Finance, 58:1301-1328.
- ✓ Dax Plus Family Index's. (2010). Deutsche Bourse Issuer Data & Analytics, 13 January 2010,p8.
- ✓ Dechow, P. Dichev, D. (2002). The Quality of Accruals and Earnings; the Role of Accrual Estimation Errors. The Accounting Review, 77: 35-59.
- ✓ Dechow, P. Sloan, R., Sweeney A. (1996). Cause and consequences of Earnings Manipulation: An Analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC. Contemporary Accounting Research, 13: 1-36.

- ✓ Ehrhardt, O. Nowak, E. (2003). The Effect of IPOs on German Family owned Firms: Governance Changes, Ownership Structure and Performance. *Journal of Small Business Management*, 41:222-232.
- ✓ Hendriksen, E. Van Brada, M. (1991). *Accounting Theory*, 5th Edition, New York:IRWIN.
- ✓ Mishra, C. Randqy, T. Jenssen, J. (2001). The Effect of Founding Family Influence on Firm Value and Corporate Governance. *Journal of International Financial Management and Accounting* , 12:235-259.
- ✓ Schipper, K. Vincent, L. (2003). Earning Quality. *Accounting Horizons*, 17:97-110. 15.
- Villalonga, B. Amit, R. 2006. How do family ownership, control and management affect firm value? *Journal of Financial Economics*, 80: 385 417.
- ✓ Wang, D. (2006). Founding Family Ownership and Earning Quality. *Journal of Accounting Research*, 44:619-656.
- ✓ Watts, R. Zimmerman, J. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice Hall, Englewood Cliffs, NJ.